

## زنان و مسأله اشتغال

گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذربایجانی

□ در اسلام و سنت دینی به کار و تلاش دنیایی انسان مؤمن توجه شده است؛ دیدگاه اسلام نسبت به کار و تلاش دنیایی چیست؟ آیا این نگاه با اندیشه مدرن و غربی انطباق یا سازگاری دارد؟

■ در رابطه با آنچه که اشاره کردید، شواهد مختلفی، هم در آیات و روایات و هم در سیره عملی معصومین علیهم السلام می‌بینیم، حکایت از این دارد که نگاه به کار، تلاش و اشتغال در مجموع نگاه مثبتی است. یعنی اصل اولی بر این است و به جدّ این را تاکید می‌کنند. آیاتی مثل «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره، ۲۸۶)، یا «وَأَلْهَنَّا مِثْلَ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸)، یا چیزهایی از این قبیل، و عموماً می‌گویند که به کار و اشتغال دعوت می‌کند و اینکه خداوند فرد بیکار را دوست ندارد - که معمولاً اعم از مرد و زن می‌باشد، یعنی اختصاص به مردان ندارد بلکه زنان را هم شامل می‌شود - مواردی هستند که به صورت کلی می‌توانیم نگاه مثبت و تایید اسلام را نسبت به اصل اشتغال و اصل کار کردن و تلاش برای همین زندگی دنیایی به دست بیاوریم.

البته استثناها و قیودهایی نیز وجود دارد؛ مثل این که کار نباید در مشاغل حرام انجام بگیرد. مانند کاری که منجر به تهیه شراب یا فروش شراب یا فروش سلاح به دشمنان، یا خرید و فروش چیزهایی که خودش حرام است بشود؛ مانند: گوشت خوک و خون و

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

چیزهایی از این قبیل، این‌ها محدودیت‌هایی است، که معمولاً در مکاسب محرمه از آن‌ها یاد شده است.

اگر این مرزها را کنار بگذاریم، می‌توانیم بگوییم به طور کلی نگاه اسلام مثبت است و این نگاه هیچ تقید و اختصاصی به مردها ندارد و برای زنان هم فی‌نفسه وجود دارد. گاهی مواقع اصل کار و اشتغال برای مردان واجب می‌شود و آن زمانی است که از باب مقدمه واجب، مقدمه‌ای برای تهیه نفقه باشد. اما برای زنان فی‌نفسه وجوبی ندارد؛ یعنی به‌طور کلی مباح است، ولی گاهی از مواقع مستحب می‌شود و آن زمانی است که از باب توسعه مالی در مشاغلی که اشکالی ندارد، کمکی به خانواده‌اش باشد، این‌ها استحباب دارد. در بعضی از مواقع ممکن است استفاده واجب هم بکنیم؛ موقعی که همسرش از کار افتاده است و توان انجام کار را ندارد، در صورتی که برای ایشان امکان کار کردن وجود داشته باشد، اصل کار واجب می‌گردد، حتی موارد واجب را هم می‌توانیم بگوییم.

در بعضی مواقع چنین مرزهایی برای زنان وجود دارد غیر از آن مرز عامی که به وظیفه واجب آن‌ها لطمه‌ای می‌زند، مثلاً مسأله تمکین یا اینکه خروج زن از خانه با اذن شوهر؛ اگر به این موارد دخالتی بکند یا لطمه‌ای بزند، خب اینها مرزی است که بر زن حرام می‌شود، یا چنانچه مستلزم اختلاط زن و مرد باشد مرز حرام پیش می‌آید و دیگر برای آن‌ها جایز نیست.

□ یکی از مباحثی که مطرح است تفاوت‌های نگاه اسلام و غرب در مسأله اشتغال است. آیا هیچ وجه مشترکی میان دیدگاه غربی به اشتغال (به‌ویژه اشتغال بانوان) و دیدگاه اسلام وجود دارد؟ تفاوت‌های بنیادین نگاه اسلام و غرب نسبت به این مسأله چیست؟

■ اسلام و غرب هر دو به فعالیت‌های اقتصادی، کار و توسعه نگاه مثبتی دارند و از این جهت این را یک امر بسیار لازم و یک بخش مهمی از جامعه می‌دانند. یعنی نهاد اقتصاد یک نهاد بسیار مهمی است، تاثیر و تاثر بسیار زیادی در زندگی افراد در نهاد خانواده، در نهاد سیاست، حتی در نهاد آموزش و پرورش دارد و اقتصاد هر چه پیشرفته‌تر، غنی‌تر و رشد یافته‌تر باشد از این جهت می‌تواند مهم‌تر باشد. مضامینی که در اسلام داریم مثل «کاد

پیش

فصلنامه علمی  
تخصصی پاسخ  
به شبهات  
سال اول - شماره اول  
بهار ۱۳۹۵

الفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (فقر اگر از یک در بیاید ایمان از در دیگر می‌رود)، این نگاه را تایید می‌کند. ولی باید تفکیک قائل بشویم. در مسیحیت کاتولیک چنین نگاهی وجود ندارد و یک نوع رهبانیت و دوری از کارهای دنیوی را بیشتر تایید می‌کند. بخصوص برای کشیشان و راهبه‌ها که به عنوان یک وظیفه واجب، باید از چنین کارهایی پرهیز داشته باشند.

در پروتستان این نگاه مقداری تعدیل شده است. به همین دلیل جامعه‌شناس معروف آمریکایی ماکس وبر، کتابی دارد به نام *اخلاق پروتستان و سرمایه داری* که می‌گوید در پروتستان به کار و اشتغال و اقتصاد نگاه مثبتی وجود دارد و گرنه در شاخه کاتولیک این نگاه مثبت نیست. پس ما می‌توانیم بگوییم با نگاه غرب و بخصوص پروتستان‌ها در این مسأله مشترک هستیم. اما یک تفاوت بارزی در جهت‌گیری وجود دارد. امروزه بخصوص در لیبرالیسم و سرمایه‌داری خیلی این نگاه برجسته است که خود کار، اقتصاد، موضوعیت دارد و برایشان هدف است. ولی در دیدگاه اسلام «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» است. این آموزه مهمی است. توسعه دنیا برای این است که انسان بتواند به دیگران کمک کند، بتواند سرمایه‌های خودش را برای آخرت و عمل صالح، فراوان‌تر و فربه‌تر کند و زمینه‌های پرورش معنوی، توسعه علمی و عبادت را فراهم کند، یعنی خود اقتصاد در نگاه اسلام موضوعیت ندارد بلکه مقدمه‌ای برای اهداف معنوی و عالی‌تر است.

### □ چه شاخصه‌هایی برای اشتغال سالم و مطلوب برای زنان از منظر سنت دینی و نبوی وجود دارد؟ و آیا این شاخصه‌ها، قابلیت اجرایی شدن را در جامعه کنونی ما دارد؟

■ اولین شاخص از نظر اسلام این است که طبق عموماً، این مشاغل از ممنوعات نباشد. یعنی مشاغلی که موضوعش امور حرام یا ممنوع است. مثل مشاغل مربوط به شرابخواری، گوشت خوک و چیزهایی از این قبیل که در مکاسب محرمه آمده است. پس مشاغل حرام به طور کلی، اولین شاخصه‌ای است که ورود در آن، نه تنها برای زنان، بلکه برای مردان هم جایز نیست. بنابراین برای زنان هم یک قید می‌شود.

دومین شاخصه بخصوص برای زنان، مواردی است که مستلزم اختلاط زن و مرد است. اختلاط زن و مرد را هم فقها تعریف کرده‌اند به گونه‌ای که وقتی که در حد «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) باشد اشکالی ندارد؛ حال چنانچه زنان در یک اتاق هستند یا در یک

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

په‌ار ۱۳۹۵

فاصله زیادی با مردان هستند و برخوردی با هم ندارند؛ [اختلاط هم نیست] اما اگر مستلزم این باشد که ارتباط نزدیکی با هم داشته باشند به گونه‌ای که با هم معاشرت نزدیک کنند این، سبب بهم ریختن مرزهای محرم و نامحرم می‌شود. این قید دوم است؛ یعنی مشاغلی که لازمه‌اش اختلاط زن و مرد است که در این صورت هم برای زنان جایز نیست.

قید سوم آن است که حقوق نادیده گرفته شود؛ به ویژه در بحث تمکین مصداق دارد یعنی مشاغلی که با آن تعارض کند. مواردی هم وجود دارد که الزامی نیست ولی در حدی که حقوق مرد را رعایت کند باید دیده شود. مثل وظایف متعارف خانه‌داری و مانند آن. یا به عنوان نمونه مشاغلی باشد که مستلزم ضایع شدن حق تمکین است مثل بعضی از کارهایی که در شیفت شبانه انجام می‌گیرد. البته گاهی شرایط اضطرار است مثلاً در جایی باشد که پزشک مرد وجود ندارد و منحصر در زنان شده است به ناچار در این موارد هم برای حفظ جان دیگران باید این کار را با هماهنگی همسرش به عهده بگیرد؛ اما اگر در این حد نیست، شیفت‌های شبانه برای زنان می‌تواند درست نباشد یا مواردی که مستلزم از بین بردن حق مرد در این موارد است. این یک قید است. این‌ها قیدهایی است که الزامی است.

یک سری قیودی هم به نظرم ترجیحی است چون زن به صورت طبیعی بیشترین ارتباط را با فرزندان در دوران بارداری، شیردادن، حتی حضانت دارد، پس بیشترین ارتباطات تربیتی را مادر در اوایل زندگی با فرزندان دارد. به نظر می‌رسد با توجه به این که «فَضَايَا قِيَاسَاتُهَا مَعَهَا»، می‌توانیم استنتاج کنیم که اگر شغل زن باعث شود که به این موارد لطمه بخورد چه در تغذیه کودک و مراقبت از کودک در سال‌های اولیه، چه در تربیت کودک، (تربیت‌های دینی، اخلاقی و اجتماعی او)، می‌توانیم بگوییم اشتغال زنان مشکل دارد به دلیل این که زن هشت ساعت شاغل است.

نکته پنجمی که می‌خواهم روی آن تاکید کنم این است که با توجه به سیره‌ای که هم از حضرت رسول ﷺ داریم که «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» و هم در آن تقسیم وظایفی که خود حضرت رسول ﷺ، میان امیرالمؤمنین ﷺ و حضرت زهرا ﷺ انجام دادند و فرمودند

پیش

فصلنامه علمی  
تخصصی پاسخ  
به شبهات  
سال اول - شماره اول  
بهار ۱۳۹۵

کارهای بیرون از خانه متعلق به مرد باشد و داخل خانه متعلق به زن؛ به نظر ما اولویت برای این مسأله جدی است، چرا که زن‌ها مادامی که کارهای داخل خانه را به یک حد مناسبی نرسانند، پرداختن به کارهای بیرون از خانه مرجوح است، یعنی رجحانی ندارد. یکی از دلایل مهم اختلافات زناشویی همین بحث‌های اشتغال زنان می‌تواند باشد. به همین جهت خود من جمع بندی‌ام در الگوی زنان این است که بیشتر باید به سمت اشتغال نیمه‌وقت برویم. با توجه به اولییتی که برای کار در خانه و خانواده، و تربیت کودکان و همسراری و این‌گونه موارد وجود دارد، اشتغال تمام‌وقت برای زنان، علی‌الاصول و عقلا با این وصف تعارض و منافات دارد و برای خود زنان هم مناسب نیست یعنی فرسودگی و افسردگی زودهنگام برایشان می‌آورد. شاید بتوانیم بگوئیم چون لطمه جدی برای زنان دارد از باب قاعده لاضرر، در مواردی که برای آن‌ها ضرورت ندارد و خیلی مهم نیست و در طول زمان ضررهای مُعْتَدَبَه به دنبال دارد، بنابراین اشتغال تمام وقت خیلی وجهی ندارد، بلکه اگر هم اشتغال می‌خواهند داشته باشند باید به سمت الگوهای پاره‌وقت و نیمه‌وقت بروند.

□ وقتی ما به جوامع غربی و نظام حقوقی موجود در این کشورها می‌نگریم بحث تساوی زن و مرد، گرایش‌های فمینیستی یا بحث استفاده ابزاری از زن و جاذبه‌های جنسی را می‌توانیم به عنوان خاستگاه‌های اشتغال زنان شناسایی کنیم. به نظر شما امروزه اشتغال زنان - به صورت خاص در کشور ما و به صورت عام در کشورهای اسلامی - از چه خاستگاه‌هایی برخوردار است؟

■ در موضوع اشتغال زنان در ایران، گروهی گرایش‌های فمینیستی دارند؛ یا متأثر از الگوهای غربی هستند و بحث‌های تساوی زنان و مردان را مطرح می‌کنند و این را برای خودشان یک مزیت می‌دانند. یک بخش می‌تواند این باشد. ولی به نظرم بخش عمده‌اش از روی ناآگاهی است، بخصوص دختران جوان یا زنانی که جوان‌ترند و این بحث را دنبال می‌کنند لزوماً متأثر از گرایش‌های فمینیستی نیستند، بلکه بحث کار را یکی از مظاهر تمدن امروزی و شخصیت و منزلت اجتماعی زن می‌دانند که تا حدی هم درست است؛ ما در روایات این مضمون را داریم که به طور کلی کار موجب عزت و شخصیت انسان می‌شود؛

پیش

فصلنامه علمی  
تخصصی پاسخ  
به شبهات  
سال اول - شماره اول  
بهار ۱۳۹۵

زن وقتی احساس کند یک منبع اقتصادی مستقلی دارد، همین منشاء عزت و جایگاه اجتماعی او است و این می‌تواند تا حدی درست باشد.

اما به نظر من دمیدن در بوق اشتغال تمام‌وقت برای زنان از ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد یعنی واقعا به تبعات و لوازم آن توجه کافی ندارند. مسئولیت دوگانه برای زنان استرس‌زاست و چون اکثر زنان ما وظایف خانه‌داری برایشان مهم است بنابراین استرس و احساس مسئولیت هم در خانه و هم در محیط کار وجود دارد این همان دو تا هندوانه بلند کردن است که گاهی مواقع به آنان لطمه می‌زند.

□ بر پایه برخی از پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی؛ آثار مثبتی برای اشتغال زنان به ویژه زنان مجرد، مانند: اعتماد به نفس، استقلال مالی، ارتقای سطح تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی عنوان شده است. آیا می‌توان گفت این موارد مطلقاً نسبت به جایگاه زنان آسیب‌زا نبوده و زمینه‌ساز پیامدهای منفی در سطح خرد و کلان برای اشتغال زنان نیست؟

■ پیامدهای مثبتی که گفتید فی‌الجمله مورد قبول است و مطالعات میدانی و تجربی هم تا حدی این‌ها را تایید می‌کند. به این‌ها می‌شود مواردی را اضافه کرد؛ مثلاً فرصت همسریابی یکی از این‌هاست. یا برخی گفته‌اند زنان چون رشد اجتماعی و روابط اجتماعی‌شان بیشتر است در تربیت فرزند هم بهتر می‌توانند عمل کنند و روابط بهتری را ایجاد بکنند. ولی به نظرم این موارد را باید اولاً در کنار پیامدهای منفی‌اش بگذاریم؛ ثانیاً با زنان خانه‌دار هم‌رتبه خودشان مقایسه کنیم؛ یک وقت سخن ما درباره‌ی زن خانه‌دار بی‌سواد است، ممکن است این موارد را بگوییم، اما زنان خانه‌دار زیادی داریم که تحصیل کرده هستند، در این صورت باید یک زن خانه‌دار تحصیل کرده را با زن شاغل تحصیل کرده مقایسه کنیم؛ اگر گروه نمونه، مشابه باشد باید ببینیم آیا باز هم اعتماد به نفس زنان شاغل لیسانس نسبت به زنان خانه‌دار لیسانس بیشتر است؟ این محل تردید است. بخصوص این‌که ما تبعات منفی‌اش را باید در نظر بگیریم. از جمله سوء استفاده‌هایی است که از زنان می‌شود بخصوص سوء استفاده‌های جنسی، و لو در حد مکالمه، این نگاه‌های جنسی که وجود دارد معمولاً زنان از این مسأله رنج می‌برند.

پیش

فصلنامه علمی  
تخصصی پاسخ  
به شبهات  
سال اول - شماره اول  
بهار ۱۳۹۵

### □ در سطح کلان چه پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟

■ ما با برنامه‌ریزی‌های اجتماعی که داریم الگوی نامناسبی را ترویج می‌کنیم و به پیامدهای آن توجه نداریم. من به بعضی از تبعات منفی آن اشاره می‌کنم. از نگاه کلان اولین پیامد عمده‌اش گرفتن فرصت‌های شغلی مردها است. یعنی یکی از بهانه‌هایی که پسران جوان در مورد ازدواج دارند و وقتی از آنان سوال می‌شود که چرا ازدواج نمی‌کنید؟ می‌گویند کار نداریم. حالا کار چطور شده؟ یک بخشی از این کارها را وقتی زنان در ادارات و در مراکز مختلف اشکال می‌کنند، این باعث می‌شود که فرصت شغلی برای مردان کاهش یابد. مورد دوم که من روی این تاکید دارم پایین آوردن نرخ کار است و دلیل آن هم این است که زنان چون مسئولیت نفقه و هزینه خانواده را ندارند به درآمد کمتر راضی می‌شوند. از طرفی زنان برخوردارشان هم بهتر است، معمولاً زودتر هم راضی می‌شوند، توقعاتشان هم خیلی بالا نیست، این است که بسیاری از کارفرماها، بیشتر ترجیح می‌دهند که کارمند زن استخدام کنند تا کارمند مرد. خود این سبب می‌شود که فرصت‌های شغلی به نفع زنان و به ضرر مردان مصادره شود و فرصت‌های شغلی مردان کاهش پیدا کند.

وقتی مردان احساس کنند فرصت اشتغال برایشان فراهم نیست طبعاً نتیجه این مسأله، تأخیر در ازدواج است و به سمت ازدواج هم نمی‌روند و نرخ ازدواج بالا می‌رود. چنانکه الان می‌بینیم نرخ ازدواج نزدیک به ۲۷ سال شده است و این لطمه‌های بسیار زیادی برای فرهنگ ما دارد. بسیاری از مفاسدی که در فاصله بلوغ تا ازدواج اتفاق می‌افتد، ریشه در این گونه مسائل دارد و در حقیقت این زنها هستند که ضرر می‌کنند. بنابراین وقتی که توازن اشتغال بین مردان و زنان بهم بخورد، مردان به سمت خواستگاری از زنان نمی‌روند. همین چیزی می‌شود که متأسفانه شاهد آن هستیم؛ زنها به گونه‌های مختلفی از مردان خواستگاری می‌کنند و این اعتبار و شأن آنان را در جامعه تقلیل می‌دهد و این خیلی بد است، در نتیجه مرد هم به اندک بهانه‌ای می‌تواند زن خودش را کنار بگذارد و (زن) آن جایگاه اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد.

این که زن باید منشاء و مظهر ناز باشد نه نیاز، و مرد به سمت او برود، به تدریج از بین

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

می‌رود و مسائلی مانند روابط نامشروع و مانند آن که البته تعدادش کمتر است ولی همین مقدار هم زیاد است چیزهایی است که می‌تواند جزء تبعات این مسأله باشد.

**□ آیا با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که در کشور ما وجود دارد، آیا از منظر راهبردی و آینده‌نگر، از اشتغال و سیاست‌های موجود در این زمینه دفاع می‌کنید؟**

■ البته من اشراف کاملی به سیاست‌هایی که در زمینه اشتغال هست ندارم، ولی به نظرم، وضع موجود وضع مناسبی نیست. اولاً ما اگر می‌خواهیم تحکیم خانواده را به عنوان یک سیاست جدی که در برنامه پنجم، در سیاست‌های مجلس و سیاست‌های راهبردی، همچنین در شورای انقلاب است به صورت جدی به آن توجه بکنیم، باید لوازمش را در نظر بگیریم. ملازمه با این مسأله، این است که از یک سیاستی به نام اشتغال نیمه‌وقت زنان، باید حمایت کنیم. البته زنانی که سرپرست خانواده هستند باید اشتغال نیمه‌وقت داشته باشند؛ ولی به عنوان تمام‌وقت برایشان محسوب بشود، ولی برای زنانی که سرپرست خانواده نیستند، هیچ لزومی ندارد و اصلاً خود این، باعث اشتغال‌زایی می‌شود. یعنی به جای اینکه یک زن کار کند، دو زن کار می‌کند. یعنی ما کار تمام وقت یک زن را تقسیم کنیم بین دو زن، در مواردی که هست مثلاً، تا بتوانیم هم تعداد را زیادترش کنیم هم این که زنان حضور بیشتری در محیط خانواده داشته باشند.

دوم بحث‌های حمایت از زنان خانه‌دار است. در جامعه‌شناسی اقتصادی و اقتصاد خانواده، اساس بحث‌ها زنان خانه‌دار هستند. اگر زنان خانه‌دار واقعاً خانه‌دار باشند و بتوانند تمام‌وقت در خانه باشند یا حتی نیمه‌وقت در خانه باشند، می‌توانند بخشی از سبد اقتصاد خانه را تامین کنند. همین پخت و پزی که در خانه انجام می‌شود، اگر بخواهد تبدیل به خرید از بیرون و فست‌فودها بشود چقدر هزینه مضاعفی به خانه تحمیل می‌کند! خیلی از محصولاتی که امروزه به صورت کنسرو از بیرون تهیه می‌شود مانند رب و مربا و ترشی که در قدیم در خانه تهیه می‌شد اگر در خانواده تهیه شود، هم از جهت بهداشتی و کیفیت بالاتر است و هم اینکه ۴۰ تا ۵۰ درصد می‌تواند به اقتصاد خانواده کمک کند و تاثیر مثبت زیادی داشته باشد. این‌ها نکاتی است که الان به آن توجه نداریم و به نظر بنده

پیش

فصلنامه علمی  
تخصصی پاسخ  
به شبهات  
سال اول - شماره اول  
بهار ۱۳۹۵



در سیاست کلان به اقتصاد کشور کمک می‌کند.

مثلاً یک زن با حداقلی از درآمد، یا به عنوان منشی یا فروشنده، با مبلغ نازلی حداکثر ۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان در ماه در جایی استخدام می‌شود؛ اما به ازای آن ۴۰۰-۵۰۰ هزار تومان در ماه یا بیشتر، به خانواده ضرر می‌زند. افزون بر این‌که برای حضور در محل کارش لااقل ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان صرف کرایه و رفت و آمد و آرایش و خودآرایی و رسیدن به خود و عطر و مسائلی دیگر هم می‌شود که اگر این‌ها را هم اضافه کنیم در حقیقت آن چیزی که به دست می‌آورد معادل همان مقدار یا بلکه بیشتر باید هزینه کند.

به‌طور کلی، الگویی را که به نظر، مطلوب است این است که اولاً ما نباید زنان را از اشتغال منع کنیم و منع هم نمی‌کنیم. زنانی که تحصیل کرده هستند نباید فرصت اشتغال را از آن‌ها بگیریم. پس به‌طور کلی نگاه منع را قبول نداریم، کسانی که به‌طور کلی نفی و منع می‌کنند، مورد نظر نیست. از طرف دیگر اشتغال تمام‌وقت به هیچ وجه برای تحکیم خانواده برای شادکامی و رضایت زناشویی و خانوادگی، برای تربیت فرزندان، برای اقتصاد کلان جامعه برای هیچ‌کدام مقرون به صرفه و خوب نیست. به همین جهت الگوی قابل توصیه، اشتغال نیمه‌وقت و پاره‌وقت برای زنان است و متناسب با آن باید بیاییم زنان خانه‌دار را هم حمایت کنیم و برای مسائلی مثل بیمه زنان خانواده، برنامه داشته باشیم. حتی به نظر اگر دولت درآمدی برای زنانی که تمام‌وقت خانه‌دار هستند در نظر بگیرد با توجه به بخشی از هزینه‌های اقتصادی جامعه که به دوش آن‌هاست جا دارد، چرا که در اقتصاد کشور سهم هستند. به زنان سرپرست خانواده باید توجه ویژه بشود که کارشان نیمه‌وقت اما درآمدشان تمام‌وقت شود، خود دولت باید این‌ها را تکفل بکند. اگر می‌خواهیم به سمت بهبود جامعه برویم این‌ها لوازمی است که دور از دسترس نیست.

یک مقاله‌ای راجع به اشتغال زنان دارم که در جلد ششم دانشنامه فاطمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه منتشر شده است. علاقه‌مندان می‌توانند در آن‌جا بحث کامل را دنبال کنند. یک مقاله دیگر هم با عنوان اشتغال زنان و عدالت اجتماعی دارم که در کتاب زنان منتشر شده است.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵